

شاهی که قدرتش را الهی می دانست

۲۱ خرداد ۱۴۰۳ ساعت ۲۰:۱۰

شاه بر این باور بود که دارای قدرتی الهی است و برای انجام مأموریتی مقدس در این منصب، فعالیت می نماید.

شاه تمایل داشت تنها شخصت تصمیم گیرنده در امور داخلی و خارجی کشور باشد. او برای آنکه خود را در این سیاست محق جلوه دهد از شیوه‌های مختلفی استفاده کرده بود. یکی از این شیوه‌ها ایجاد جنبه شرعی یا الهی بودن قدرت بود:

«شمار اندکی از رهبران سیاسی در جهان همانند پادشاه ایران بر روی تصمیم‌گیری‌های جاری در کشور با حساسیت اعمال نظر می‌کردند. شاه بر این باور بود که دارای قدرتی الهی است و برای انجام مأموریتی مقدس در این منصب، فعالیت می نماید. این گرایش که با اهمیت نقش شاه در تاریخ ایران تقویت می‌شود به شاه این امکان را می‌داد که تا خود را در تمامی تصمیم‌گیری‌ها دخالت دهد. در سال‌های واپسین دهه چهل شمسی شصت میلادی شاه، نظامی متمرکز برای دستگاه دیوانی کشور ایجاد می‌کند و خود محور اصلی آن است. این نظام، بیش از هر چیز بر اعتماد و وفاداری تمامی بازیگران سیاسی، نظامی و... به شخص شاه استواری یافته بود رقابت و تضاد منافع در میان این بازیگران و نبود هر نوع ارتباط دو جانبه میان آن‌ها از دیگر ویژگی‌های این نظام است. کمترین اطلاعات از پایین به بالا منتقل می‌یافت و دستورات نیز حرکتی از بالا به پایین داشت حاصل این حرکت رفت و برگشتی و بازخوردها تصمیماتی بود که اتخاذ می‌شد. شاه به طور عادی ریاست مجموعه دولت را بر عهده داشت و در همه موارد می‌توانست به آن‌ها امر و نهی نماید. از آنجایی که او تن‌ها منبع و مرجع تصمیم بود کارکرد سیستم وابستگی شدیدی به او داشت.»

منبع: حمیدرضا ملک‌محمدی، از توسعه لرزان تا سقوط شتابان: توسعه اقتصادی، نظامی و بی‌ثباتی سیاسی رژیم پهلوی دوم

، (۱۳۵۷-۱۳۴۷) تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، صص ۲۱۱-۲۱۲

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49672/شاهی-که-قدرتش-را-شاهی-می-دانست>